

تاریخ معاصر

عباس صفایی فرد
دبیر تاریخ. آمل

بلوای نان

علل شورش ۱۷ آذر ۱۳۲۱

کلیدواژه‌ها: رضاشاه، ۱۷ آذر، قوام.

سیاسی ایران ملزم می‌کرد. همچنین آن‌ها را متعهد می‌ساخت که در صورت بروز مشکلات اقتصادی به ایران کمک کنند (صورت مذاکرات...: ۴۲) اما آن‌ها نه تنها به تعهدات خود عمل نکردند بلکه در همان آغاز رسماً در امور سیاسی و اقتصادی ایران دخالت می‌کردند که این اقدام آن‌ها را می‌توان دخالت آشکار در امور داخلی یک کشور مستقل بیان کرد. (میلسپو؛ ۲۶۶)

از طرف دیگر، متفقین خواستار کابینه‌های بادوام بودند تا بتوانند در صورت امکان در آن نفوذ کنند. (آوری، ۱۹۰) به‌ویژه این‌که در سال‌های ۲۲-۱۳۲۰ هر انتصابی در دستگاه دولتی بدون اعمال نظر سفارت انگلیس و روسیه امکان‌پذیر نبود. (فرخ؛ ۵۶۹)

در طی جنگ، انگلیس و آمریکا با تأسیس «شرکت بازرگانی بریتانیا» و «مرکز تدارکات خاورمیانه» ضمن خرید کالاها و مواد غذایی مورد نیاز روس‌ها و سازماندهی سرویس‌های حمل و نقل جاده‌ای، عملاً نیمی از کامیون‌های ایران، یعنی حدود ۲۰۰۰ دستگاه، را کرایه کرده و برای ارسال اقلام مورد نیاز به شوروی به کار گرفته بودند. (ذوقی؛ ۱۰۲) انگلیسی‌ها هم، برای حفظ خطوط ارتباط ریلی، زمینی و هوایی، از عشایر جنوب و مجاور



مقدمه

در ۱۷ آذر سال ۱۳۲۱ در تهران حادثه‌ای روی داد که باعث نگرانی و وحشت هیئت حاکمه- دربار، مجلس، دولت- و حتی متفقین گردید. در این روز گروه‌های مختلفی مردم تهران شامل دانشجویان، دانش‌آموزان، توده‌های عادی مردم، بازاریان و حتی رجاله‌ها و چاقوکش‌ها با تجمع در میدان بهارستان و خیابان‌های اطراف دست به تظاهرات گسترده‌ای زده و سرانجام گروهی از آنها وارد مجلس شده و نمایندگان را مضروب کردند.

اگرچه در این شورش مردم بیشتر خواهان حل مسایل اقتصادی خود از قبیل رفع گرانی، تورم، تأمین گندم و غلات به ویژه آرد و نان بودند، اما نهادهای سیاسی از جمله دربار و مجلس به دنبال سرنگونی دولت قوام السلطنه بودند. بنابراین ضروری است که نقش هر یک از عوامل و زمینه‌های یاد شده در شکل‌گیری شورش ۱۷ آذر جداگانه و البته به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

عملکرد سیاسی اقتصادی انگلیس

اگر چه براساس پیمان ایران با اتحاد سه گانه، استالین، چرچیل، روزولت) حضور متفقین در ایران جنبه‌ی قانونی می‌یافت ولی در ضمن آن‌ها را به حفظ تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت



سران متفقین در تهران



راه شوسه و راه آهن کمک گرفته و حتی در امور ادارات محلی مداخله می کردند و طی درخواستی از دولت ایران، خواهان به دست گرفتن راه آهن سراسری شدند که دولت نیز با خواسته ی آنها موافقت کرد. (ایران در اشغال... ۱۱۶-۱۱۵)

بدین ترتیب دولت ایران در کلیه ی امور حمل و نقل خود با مشکلات بسیاری روبه رو شد؛ زیرا نه وسایل حمل و نقل را در اختیار داشت و نه به راحتی اجازه ی حمل کالا را؛ چون انگلیسی ها بر این باور بودند که در این جنگ صلح و آزادی از طرف آلمان به خطر افتاد و شوروی هم به کمک کشورهای آزادی خواه نیاز دارد، لذا باید کلیه ی امور حمل و نقل و امکانات در اختیار آنها قرار بگیرد. (پولارد: ۴۵)

با توجه به این که شرکت نفت و فرآورده های نفتی در سلطه ی انگلیسی ها بودند (هنوز نفت ایران ملی نشده بود) لذا تأمین سوخت ناوایی ها و نیز همان اندک وسایل نقلیه ای که به طور محدود در اختیار ایرانی ها بود با مشکلات مواجه شد. به طور کلی تأمین فرآورده های نفتی منوط به مذاکره با سفارت انگلیس بود در چنان اوضاعی، اگر یک روز سفارتین، انگلیس و شوروی به ایرانی ها عصب می کردند، دیگر ناوایی ها سوختی نداشتند تا نان پخت کنند. البته انگلیسی ها تعدادی کامیون برای وزارت خواربار در نظر گرفته بودند ولی چون کامیون ها تحت نظر خودشان اداره می شد، همیشه با بهانه ای از واگذاری کامیون ها خودداری می کردند. به گفته ی فرخ اگر چه وی وزیر خواروبار بود اما وزارت خانه عملاً در اختیار انگلیسی ها بود. (فرخ: ۵۰۸)

در حالی که انگلیسی ها این توانایی را داشتند که در حل کمبود خواروبار به ویژه گندم و آرد به ایران کمک کنند، با بهانه هایی چون شرایط ویژه ی جنگی و خطرات احتمالی و یا این که در صورت تحویل گندم ممکن است در اختیار محترکان قرار گیرد، از انجام این کار خودداری می کردند؛ گرچه بعدها معلوم شد که محترکان از عوامل فروش خودشان بودند، زیرا از این طریق می توانستند با گران فروشی گندم، ریال بیشتری برای پرداخت حقوق کارگران و

خرید مایحتاج خودشان به دست آورند. انگلیسی ها با استخدام ۷۵ هزار کارگر ایرانی، نیروی کار در بخش تولید به ویژه کشاورزی را کاهش داده بودند. همچنین نزدیک به ۷۵ درصد شبکه ی توزیع و حمل و نقل و نیمی از کامیون های دولتی را در اختیار داشتند (فوران: ۱۹۵) لذا دولت ایران، هم از درآمدهای حاصل از این بخش محروم گردید. (آوری: ۲۰۲) و هم برای تأمین خواروبار گندم و سایر غلات با مشکلات بسیاری مواجه شد.

می توان گفت، دولت ایران در صورتی که می توانست مشکلات یا بحران اقتصادی موجود را حل کند که یا میزان کمک به شوروی کاهش می یافت یا بیگانگان ایران را تخلیه می کردند. (لنچافسکی: ۲۱۲)

عملکرد سیاسی اقتصادی شوروی

روس ها که از خراسان تا آذربایجان را به اشغال خود در آورده بودند با ایجاد کنسولگری و پست های نظامی در شهرها و حتی روستاها، کلیه ی رفت و آمدهای ساکنان این مناطق را به دقت تحت نظر و کنترل داشتند لذا از دست حکومت مرکزی کاری ساخته نبود؛ بخصوص که هر چه از حضور آنها در ایران می گذشت دخالت آنها بر فعالیت های سیاسی اقتصادی این مناطق بیشتر می شد، در طول جنگ گویا مرز جغرافیایی و سیاسی بین دو کشور وجود نداشت. (همان: ۵۱-۲۵۰)

روس ها گمرکات مرزهای شمالی را از میان برداشته و کارکنان ایرانی را از محل کارشان اخراج کرده بودند و اصولاً امور گمرکی صورت نمی گرفت. این اقدامات و موانع ایجاد شده توسط ارتش سرخ باعث رواج پدیده ی قاچاق ارزاق عمومی به ویژه گندم و حتی دام زنده به کشور شوروی گردید. از طرف دیگر بازرگانان روسی با صدور کالاهای شان به ایران و فروش آن به مردم علاوه بر عدم پرداخت حقوق گمرکی باعث اختلال در امر بازرگانی ایران می شدند، آنها از حمل برنج و گندم و سایر غلات، با صدور پروانه ی حمل کالا، از استان های تحت اشغال به تهران جلوگیری می کردند. (همان: ۲۴۸) به گزارش روزنامه ی صدای ایران، نیروهای ارتش سرخ در تمام نواحی شمال از حمل مواد غذایی به ویژه برنج که مهم ترین ماده ی غذایی داخل کشور به ویژه تهران بود مانع می شدند؛ مثلاً سی و پنج هزار کیسه برنج در رشت و پنج هزار کیسه در قزوین جهت حمل به تهران جمع آوری شده بود که روس ها از صدور پروانه ی حمل آنها خودداری کرده بودند و این شایعه که متفقین از حمل مواد غذایی به تهران جلوگیری می کنند به حقیقت پیوسته است و نزدیک به یک ماه کالایی وارد شهر نشده است. (صدای ایران: ۲) در همین راستا فرماندار زنجان

و تعمیر خطوط راه‌آهن را به عهده‌ی دولت ایران می‌گذاشتند (لنجافسکی: ۲۵۱).

عملکرد اقتصادی رضا شاه

اگر چه عامل اصلی بحران اقتصادی ایران در دوران جنگ جهانی دوم ناشی از حضور متفقین و اشغال ایران و عملکرد سیاسی-اقتصادی آن‌ها بود و در واقع متفقین مسئول مستقیم این بحران بودند، اما می‌توان گفت این بحران اقتصادی ریشه در سیاست اقتصادی رضا شاه نیز داشت، زیرا او بود که قبلاً امور اقتصادی و بازرگانی کشور را به انحصار دولت یا در واقع خود درآورده بود. رضاشاه بود که صنعتی کردن کشور یا به عبارت بهتر ایجاد «نظم نوین رضاشاهی» (آوری: ۲۶) و نوگرایی آمرانه‌اش، باعث شد که «خانه‌ای بر روی تورم» (همان: ۱۰۸) بنا گردد. مثلاً به هنگام احداث راه‌آهن سراسری، چون دریافت مالیات مستقیم امکان‌پذیر نبود، به مالیات غیرمستقیم روی آورد و مالیات هنگفتی برای قند و شکر وضع نمود (همایون کاتوزیان: ۱۰۸ و غنی: ۴۱۸) و البته جنبه‌های اقتصادی راه‌آهن را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار داد. سرمایه‌گذاری در طرح‌های پرهزینه و کم بازده نیز مانند ساخت کارخانه - حال، هر کارخانه‌ای باشد تا مردم ببینند- موجب از بین رفتن منابع- سرمایه- ملی شده بود. (همایون کاتوزیان: ۱۷۹)



در امر کشاورزی نیز بیشتر به نفع زمین‌داران عمل می‌شد تا زارعان و کشاورزان چون در هر صورت مالکان و زمین‌داران می‌توانستند پنجاه درصد از محصول را دریافت کنند و لذا علاقه‌ای به توسعه‌ی کشاورزی یعنی توسعه‌ی اقتصادی ملی نشان نمی‌دادند (آوری: ۱۱۳) خرید و توزیع محصولات کشاورزی که عمده‌ترین آن‌ها گندم و جو و غذای اصلی مردم، بود در انحصار دولت قرار داشت و لذا قیمت محصولات را در پایین‌ترین حد ممکن براساس شرایط داخلی و به ضرر جمعیت روستایی نگه می‌داشت (همایون

رضا شاه



طی گزارشی اعلام کرد که نیروهای شوروی از حمل کالا یا خروج مواد غذایی به تهران جلوگیری می‌کنند و حتی بازرگانان این شهرستان در این باره نامه‌ای به نخست وزیر (قوم‌السلطنه) نوشته، خواهان پیگیری و حل مشکلات موجود شدند (ایران در اشغال... ۲۶۵-۲۶۲)

مسئلاً روس‌ها با توجه به نیاز داخلی‌شان و تأمین خوراک ارتش خود، و این که مناطق گندم‌خیز آن‌ها را ارتش آلمان به آتش کشیده بود، در واقع در شرایطی قرار داشتند که از یک کیلو گندم هم چشم‌پوشی نمی‌کردند، از این رو، حتی گاهی برای تأمین نیازمندی‌هایشان انبارهای دولتی یا مزارع و اموال تجار را ضبط و مصادره و با کامیون‌های مخصوص به شوروی حمل می‌کردند (همان: ۲۷۶). علاوه بر این، دولت ایران براساس قرارداد سال ۱۳۲۱ موظف بود سالانه هفت هزار تن گندم، پانزده هزار تن جو و سی هزار تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد و این در حالی بود که نواحی تحت اشغال روس‌ها گندم، جو و برنج به مقدار زیاد کشت می‌شد و وقتی که اجرای مفاد قرارداد به تأخیر افتاد روس‌ها دولت ایران را به سختی تحت فشار قرار دادند (ذوقی: ۱۳۵).

کمبود گندم و سایر غلات در تمامی نواحی ایران به خوبی محسوس بود و مهم‌ترین دلیل آن هم این بود که روس‌ها از حمل غله‌ی مازاد آذربایجان و دیگر نواحی تحت اشغال که حاصل خیزترین مناطق غله‌خیز بود به دیگر نقاط کشور- به ویژه تهران جلوگیری می‌کردند و مدعی بودند که اصولاً در این نواحی مازاد غله وجود ندارد (ذوقی: ۱۳۶) همچنین روس‌ها، مانند انگلیسی‌ها، تمامی خطوط حمل و نقل جاده‌ای و ریلی مناطق تحت اشغال را در اختیار خود داشتند و حتی گاهی از مأمورین ناحیه‌ی راه‌آهن، از سربازان ایرانی و یا حمل کالاهای دولتی همانند مسافرین کرایه دریافت می‌کردند در حالی که هزینه‌ی نگهداری



اصلی جلوه دهند.

شاه که می‌دانست قوام، جایگاه او [شاه] را در قانون اساسی این می‌داند که «باید سلطنت کند نه حکومت» به فکر افتاد به هر نحوی که هست قوام را سرنگون کند (عمیدی نوری: ۴۹) با توجه به این مقدمات و این که قوام از حمایت ضمنی متفقین برخوردار بود، با ایجاد یک شورش ساختگی، ضمن ناتوان نشان دادن قوام، با برقراری نظم و امنیت، خودش زمام امور را به دست بگیرد.

به گفته‌ی صدرالاشرف، حادثه‌ی ۱۷ آذر، یا بلوای نان، ظاهر ماجرا بود و برای وقوع آن دو احتمال بیشتر وجود نداشت، یا از طرف شاه بود (برای اینکه قوام مستأصل شده و استعفا کند یا وکلای مخالف در صدد استیضاح و عزل او برآیند)؛ و یا اینکه از طرف خود قوام بود جهت مرعوب کردن مجلس و نمایندگان مخالف؛ زیرا قرار بود در همان روز وی استیضاح شود و چون می‌دانست بیشتر نمایندگان مخالف وی و طرفدار شاه هستند، پس لازم بود این وضع را به وجود آورد (صدرالاشرف: ۴۰۶). همچنین به گفته‌ی مسعودی، اکثریت مجلس در آن روزها خواهان سقوط دولت قوام بودند (مسعودی: ۲۳۲).

البته صدرالاشرف، خود فردی مطیع و وابسته به دربار بود، پس باید قوام را مقصر جلوه دهد. به هر حال، با توجه به این که قوام السلطنه در بین توده‌ی عادی مردم و دانشجویان آن قدر نفوذ و محبوبیت نداشت که چنین حادثه‌ای را ترتیب دهد، نظر دوم صدرالاشرف تا حدی نیز قابل قبول به نظر می‌رسد و بیشتر باید نظر اول او را پذیرفت؛ چرا که یک روز پیش از حادثه، عده‌ای از نمایندگان، که بیشتر آن‌ها از مخالفان قوام بودند، در کاخ مرمر با شاه دیدار و در مورد وضع موجود با وی گفت‌وگو کردند. شاه نیز اظهار کرد که از نظر مصالح عمومی، «مجلس» باید به این بحران پایان دهد و نمایندگان هم گفتند چون دولت قوام در این مدت کار مثبتی انجام نداده است، باید کسی زمام امور را به دست گیرد که به اصول مشروطیت پای‌بند باشد و به قانون اساسی احترام

کاتوزیان: ۱۷۹) البته زمین‌داران هم موظف بودند که سهم خود را پس از برداشت، با قیمت پایین‌تر از سایر کشورهای خاورمیانه، به دولت بفروشند تا سازماندهی ذخیره‌ی آرد پایتخت سامان پذیرد (مک‌فارلند: ۸) در این حال، عموم مردم، به ویژه روستاییان، ناچار بودند که قند، شکر و چای مورد نیازشان را که واردات آن در انحصار دولت بود با قیمت بالایی خریداری کنند و از دیگر سیاست‌های اقتصادی نادرست رضاشاه، ممنوعیت کشت برنج در نواحی مرکزی، جنوبی و یا هر منطقه‌ای غیر از شمال بود، چون خود وی در استان‌های شمالی کشور اراضی برنج بسیاری در اختیار داشت (گذشته چراغ راه...: ۵۲) احتکار غلات توسط مالکان و حمایت ضمنی متفقین و گاه دولت از محتکران نیز مزید بر علت شد. چون متفقین، گندم مورد نیاز خود را از آن‌ها می‌خریدند، و محتکران با پرداخت رشوه به مأموران دولتی از مجازات رهایی می‌یافتند. (داد: ۱) عده‌ای از محتکران متنفذ چون خدایارخان و حسن اسفندیاری، رئیس مجلس، به بهانه‌ی ذخیره‌ی بذر برای کشت سال بعد، چند هزار تن گندم را در انبارهای خود احتکار کرده بودند. (همان: ۱)

عوامل سیاسی

پس از برکناری رضاشاه مجلس شورای ملی در صدد برآمد به عنوان یک نهاد مستقل بر اساس اصول مشروطیت عمل کند و در برابر دولت و البته تا حدودی شخص محمد رضا شاه که فردی کم‌تجربه و جوان بود و اقتدار و تحکم پدرش را نداشت، مقاومت بیشتری از خود نشان دهد. اما این بار در رأس دولت، فردی چون قوام السلطنه قرار داشت که سیاستمداری مستقل، خودخواه و البته جاه‌طلب بود و هیچ‌گاه از خود ضعف و تزلزلی نشان نمی‌داد. در این زمان، قوام، جهت مقابله با بحران اقتصادی و همچنین اجرای پیمان ملی، که در دوره‌ی سهیلی با انگلیس منعقد شده بود، البته تحت اثر فشار متفقین، با ارائه‌ی لایحه‌ای به مجلس، هم خواهان انتشار پانصد میلیون ریال اسکناس اضافی بدون پشتوانه شد و هم خواهان واگذاری اختیار تمام به دولت گردید و در ضمن تهدید کرد که اگر پیشنهاد او تصویب نشود متفقین بار دیگر ضمن اشغال تهران مجلس را منحل خواهند کرد. (صورت مذاکرات...: ۱۸۱۱)

با توجه به این که اکثریت نمایندگان مجلس از مخالفان قوام بودند با طرح وی به طور جدی مخالفت کردند، زیرا می‌دیدند که واگذاری اختیار تمام به او به معنی انحلال مجلس و حتی کنارگذاشتن شاه از اریکه‌ی قدرت خواهد بود و همراهان وی تلاش کردند تا ضمن جلب حمایت متفقین و تأیید ضمنی با خواسته‌های آن‌ها، به ویژه انتشار اسکناس مورد نظر، قوام را مقصر

توقیف روزنامه‌ها، و برقراری نظم و امنیت، البته با پشتیبانی متفقین به ویژه آمریکا، توانست دو ماه بیشتر به زمامداری خود دوام بخشد و البته سرانجام تحت فشار دربار و مجلس، کناره‌گیری کرد و به لاهیجان رفت تا با تجدید قوا و درمان بیماری جسمی‌اش دوباره خود را برای به دست گرفتن قدرت آماده کند.

۴. سرانجام مردم گرسنه و ستم دیده به جای نان و اصلاحات اقتصادی، گلوله نصیب‌شان شد و متوجه شدند که نمی‌توانند حتی از طریق شورش و تظاهرات به آنچه حق آن‌هاست دست یابند.



منابع

۱. ابراهامیان، پرواند، **ایران بین دو انقلاب**: از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۲. آوری، پیتر، **تاریخ معاصر ایران**، ترجمه مهدی رفیعی مهرآبادی، جلد دوم، تهران، عطایی: بی‌تا.
۳. ایران در اشغال متفقین، مجموعه‌ی اسناد و مدارک، به کوشش صفاءالدین تیرانیان، تهران، رسا ۱۳۷۷.
۴. بولارد، سرریدر، وکلار مونت، سراسکراین؛ **شترها باید بروند**، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۵. خامه‌ای، انور، **خاطرات سیاسی**، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۲.
۶. ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، پازنگ، ۱۳۶۷.
۸. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی سیزدهم ۱۳۲۱/۱/۶ و ۱۳۲۱/۸/۲۸.
۹. عمیدی نوری، ابوالحسن، **یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار**: تحولات نیم قرن اخیر تاریخ معاصر ایران به کوشش مختار حدیدی و جلال فرهنگمند، جلد دوم، تهران، موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.
۱۰. غنی، سیروس، **ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجاریه و نقش انگلیسی‌ها**، ترجمه حسن کامشاد، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۱۱. فرخ، مهدی (معتصم السلطنه) **خاطرات سیاسی**، به اهتمام پرورز لوشانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.
۱۲. فوران، جان، **مقاومت شکننده**، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
۱۳. **گذشته چراغ راه آینده است**، جمعی از نویسندگان، تهران، جامی، بی‌تا.
۱۴. لنجافسکی، جرج، **غرب و شوروی در ایران**: سی سال رقابت ۱۹۴۸-۱۹۱۸، ترجمه‌ی حورا یآوری، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱.
۱۵. مسعودی، عباس. **اطلاعات در ربع قرن**. اطلاعات، ۱۳۲۹.
۱۶. مک فارلند. استیفن. **کالبدشناسی یک تجمع سیاسی در تهران**. ترجمه نادر سعیدی، فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره ۱۸، ۱۳۸۳.
۱۷. میلیسبو، آرتور، **آمریکائیان در ایران**، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.
۱۸. همایون کاتوزیان، محمد علی، **اقتصادی سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله‌ی پهلوی**، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۱۹. **روزنامه‌ی اطلاعات**: ۲۱/۱/۸۱ شماره ۵۰۸۷.
۲۰. **روزنامه‌ی داد**: ۱۳۲۱/۷/۹ و ۸ شماره‌های ۸ و ۹.

بگذارند(کوشش:۱). حتی عده‌ای از نمایندگان و استادان دانشگاه، دانشجویان و کارکنان دولت و کارگران را تشویق می‌کردند که علیه قوام تظاهرات کنند. (خامه‌ای: ۲۸۶)

همچنین، شاه چند روز پیش از حادثه‌ی ۱۷ آذر، از طریق دو نفر، یکی **عباس مسعودی** نماینده‌ی مجلس و مدیر روزنامه‌ی اطلاعات که رابطه‌ی مناسبی با دربار داشت (عمیدی نوری: ۵۴) و دیگری **احمد دهقان** مدیر مجله‌ی «تهران مصور» و زنی به نام مهری دیوسالار، مبلغ یکصد هزار تومان را بین گروه‌های اوباش و رجاله‌های تهران، جهت برپایی بلوا هزینه کرده بود (گشائیان: ۷۱۳) می‌دانیم که سپهبد امیر احمدی رئیس ستاد ارتش و رئیس ستاد شهربانی تهران به دستور قوام جهت برقراری حکومت نظامی و سرکوبی تظاهرکنندگان عمل نکرد مگر بعد از دیدار نمایندگان مجلس با شاه، که وقتی که وی را از وخامت اوضاع آگاه کردند، به امیراحمدی دستور داد مداخله‌ی نظامی کند (فرخ: ۵۵) و همین زمان بود که شاه از طریق تلفن به قوام اطلاع داد که عده‌ای می‌خواهند خانه‌اش را به آتش بکشند (عمیدی نوری: ۵۵) اینها همه را می‌توان بیانگر دخالت شاه و نمایندگان مخالف قوام در شکل‌گیری بلوای ۱۷ آذر دانست.

بالاخره باید دانست در آستانه‌ی واقعه، یعنی نزدیک به حادثه‌ی ۱۷ آذر، نانی که هر روز تحویل مردم داد می‌شد با خود مخلوطی از خاک اره، خرده شیشه، سنگ و کلوخ داشت، لذا مردم گرسنه و ستم‌دیده به این نتیجه رسیدند که خشم و غضب خود را با شورش و تظاهرات و در نهایت حمله به مجلس که به جای حل مشکل مردم به مکانی برای تصفیه حساب‌های سیاسی بین نمایندگان و قوام (دولت) تبدیل شده بود، نشان دهند.

بلوای ۱۷ آذر در غروب همان روز ظاهراً پایان یافت اما روز بعد نیز دوباره مردم در خیابان‌های اطراف میدان بهارستان تظاهرات کردند که این بار **امیراحمدی** به دستور شاه با برقراری حکومت نظامی به شدت تظاهرکنندگان را سرکوب کرد. در این درگیری نزدیک هفتصد یا هشتصد نفر کشته شدند (اطلاعات: ۲) بدین ترتیب شورش ساختگی و مصنوعی ۱۷ آذر پایان یافت. در پایان می‌توان گفت:

۱. اگرچه شاه و مخالفان قوام نتوانستند باافاصله وی را برکنار کنند اما اقدامات و تبلیغات آن‌ها، به ویژه بعد از رفع توقیف روزنامه‌ها، به ویژه اطلاعات و کوشش، مؤثر واقع و زمینه‌ی برکناری وی فراهم شد.

۲. در این بین متفقین از فرصت استفاده کرده دوباره هم تهران را اشغال کردند و هم به اسکناس‌های مورد نیازشان دست یافتند.

۳. قوام نیز ضمن تعطیل نمودن مجلس تا ۲۹ آذر و همچنین